دیدگاه

دموکراسی لرزان در «لیبی»

حسن هانی‌زاده

■ پیروزی ائتلاف نیروهای ملی به رهبری محمود جبریل در انتخابات اخیر کنگره ملی لیبی نشان داد که جامعه لیبی گرایش بیشتری به سمت تشکیل یک نظام دموکراتیک با رویکردهایی ملی دارد. با اینکه باورهای دینی سنتی زیربنای فکری جامعه لیبی را تشکیل می‌دهد اما پیروزی ملی‌گرایان معتدل و شکست احزاب اسلامی ناظران سیاسی را شگفت‌زده کرد. با اینکه اخوان‌المسلمین لیبی از جایگاه مردمی رفیعی در جامعه لیبی برخوردارند و سابقه مبارزاتی ۴۰ساله با رژیم معمر قذافی دارند اما نتوانستند اکثریت کرسی‌های کنگره ملی را به دست آورند. اخوان‌المسلمین پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری معمر قذافی حزب عدالت و سازندگی را به عنوان شاخه سیاسی زیر مجموعه خود تشکیل دادند و این حزب با تبلیغات وسیعی وارد عرصه مبارزات انتخاباتی اخیر شد.

شکست این حزب نشان داد که اولا الگوی ترکیه برای اداره امور کشورهای عربی جایی برای چنین جوامعی ندارد و ثانیا احزاب اسلامی به‌طور مشخص در لیبی فاقد برنامه‌های راهبردی هستند.

به اعتقاد ناظران سیاسی انتخابات لیبی کاملا مهندسی شده است زیرا محمود جبریل رهبر ائتلاف نیروهای ملی شخصیت سیاسی مورد توجه آمریکا و غرب است. محمود جبریل تحصیلکرده آمریکاست و بیش از ۲۵ سال در این کشور زندگی کرده و پس از سرنگونی معمر قذافی به عنوان اولین نخست‌وزیر لیبی انتخاب شد. ائتلاف نیروهای ملی از شخصیت‌های لیبرال با رویکردهایی قومیتی تشکیل شده است و قصد دارد لیبی را به دور از تاثیرات افکار دینی اداره کند. اما آیا ائتلاف لیبرال که بیش از نیمی از کرسی‌های کنگره ملی را به‌دست آورده، خواهد توانست جامعه سنتی لیبی را که فاقد نهادهای مدنی است به سمت رفاه و امنیت هدایت کند. اساسا جامعه لیبی یک جامعه به‌شدت قبیله‌ای سنتی است و این قبایل هر یک به نوعی از یک قدرت غیرمتمرکز و خودگردان برخوردارند. قبایل تبو، آمازیق، طوارق و بربر که بزرگ‌ترین قبایل شرق و جنوب لیبی به‌شمار می‌روند دارای رگه‌های آفریقایی غیرعربی هستند که در دوران حاکمیت ۴۲ساله دیکتاتور سابق لیبی از کوچک‌ترین حقوق شهروندی برخوردار نبودند. شورش اخیر این قبایل در اعتراض به وجود تبعیض و شرایط دشوار زندگی نشان می‌دهد که لیبی در آینده با چالشی جدی برای پاسخ به مطالبات این قبایل مواجه خواهد شد. با توجه به اینکه قبایل تبو، آمازیق و طوارق در مناطق مرزی لیبی مستقر هستند و رگه‌های مشترک نژادی با سایر قبایل آفریقا مانند نیجر و مالی دارند، ممکن است در آینده این قبایل به سمت تجزیه‌طلبی حرکت کنند. به همین دلیل کنگره ملی لیبی باید در اولین گام موضوع وجود تبعیض بین قبایل مرکزی و شرقی را مورد توجه قرار دهد و نوعی آشتی ملی میان همه شهروندان لیبی ایجاد کند. گام دیگری که کنگره ملی باید در راستای تدوین قانون اساسی بردارد تامین حقوق همه قبایل شرق، جنوب و مرکز است که در قانون اساسی باید حقوق همه این قبایل صرف‌نظر از گرایش‌های نژادی لحاظ شود. متاسفانه برخی احزاب دینی مانند حزب عدالت و سازندگی اخوان‌المسلمین هیچ‌گونه حقی برای قبایل شرق لیبی قایل نیستند و این موضوع در آینده، دموکراسی لرزان لیبی را مورد تهدید قرار خواهد داد. بنابراین در تجزیه و تحلیل رخدادهای اخیر لیبی به‌ویژه انتخابات کنگره ملی این کشور می‌توان به این نتیجه رسید که اوضاع لیبی همچنان تا مدتی ناپایدار خواهد بود. وجود تضارب فکری میان احزاب دینی و لیبرال و سهم‌خواهی برخی انقلابیون برای به‌دست گرفتن قدرت آینده نامطمئنی را برای نظام لیبی رقم می‌زند. از سوی دیگر موضوع دیگری که کشورهای غربی را نسبت به دورنمای سیاسی و اجتماعی لیبی نگران می‌کند مساله مهاجرت اتباع پناهجوی آفریقایی از مرز دریایی لیبی با کشورهای اروپایی است. با توجه به اینکه معمولا اتباع آفریقایی از مرزهای دریایی لیبی با ایتالیا وارد حوزه کشورهای اروپایی می‌شوند بنابراین به نظر می‌رسد موضوع تشکیل یک نیروی مشترک اروپایی لیبی در آینده مورد توجه اتحادیه اروپا قرار خواهد گرفت. این شرایط موجب شده انتخابات اخیر لیبی به دقت از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مهندسی و مدیریت شود تا لیبی در آینده از حوزه نفوذ غرب خارج نشود. پیروزی لیبرال‌ها هر چند ممکن است کمک‌های مالی و اقتصادی آمریکا و غرب را به سمت لیبی جذب کند اما در بعد داخلی با برخی احزاب اسلامی که در کنگره ملی کرسی‌هایی به‌دست آورده‌اند برخوردی جدی خواهد داشت. اما با وجود برگزاری این انتخابات، نبود نهادهای مدنی و تجربه حزبی، مردم این کشور را در برابر یک پدیده تازه‌ای از دولت‌سازی قرار داده که به نظر می‌رسد برای رسیدن به یک شاخص سیاسی قابل قبول، کشور لیبی به زمانی طولانی نیاز دارد. دولتمردان جدید لیبی برخلاف دولتمردان مصر و تونس که از تجربه حزب عدالت و توسعه رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه برای دولت‌سازی الهام گرفته‌اند، اعتقاد دارند که این تجربه نمی‌تواند برای جامعه سنتی لیبی مفید باشد. به همین دلیل اگر تجربه جدید لیبی با موفقیت همراه باشد، می‌تواند الگوی قابل قبولی برای بومی‌سازی دموکراسی در جوامع عربی تلقی شود اما اگر با شکست مواجه شود احزاب دینی قطعا قدرت را در آینده در لیبی به‌دست خواهند گرفت.

عکس: Getty Images

مردم «لیبی» به آینده چشم دوخته‌اند

هزار راه نرفته

محمد علی عسگری

در گرماگرم مبارزه مسلحانه و انقلابی مردم لیبی با رژیم دیکتاتوری معمر قذافی، او در اظهاراتی توهین‌آمیز مخالفانش را تعدادی « موش » توصیف کرد که از ترس در سوراخ‌ها پنهان می‌شوند. کاش آن سرهنگ متکبر و سبک‌سر امروزه می‌توانست از گور درآمده و مشاهده کند که چطور همان‌هایی را که او موش خطاب می‌کرد به شیوه‌ای کاملا دموکراتیک و شفاف ثبت‌نام می‌کنند و در صف‌های طولانی منتظر می‌مانند تا رای خود را به صندوق بیندازند. آنها بدون آنکه آموزشی خاص در دوران سیاه ۴۲ سال دیکتاتوری او دیده باشند یک رقابت سیاسی تحسین‌برانگیز را تجربه کردند که چه بسا برای برخی از کشورهای دیگر نیز الهام بخش باشد.

وقتی گزارشگران خارجی برای ترسیم شرایط لیبی در آستانه انتخابات اخیر پارلمانی به سراغ مردم کوچه و خیابان می‌رفتند یکی از مصاحبه‌شوندگان حرف ساده و روشنی می‌زد. او می‌گفت: « درزمان قذافی به هرجا نگاه می‌کردی فقط یک عکس را می‌دیدی اما امروز هرجا نگاه می‌کنی یک عکس متفاوتی هست و هرکس برای خود حرفی دارد.» به راستی دموکراسی یعنی همین! یعنی فراهم کردن امکان و زمینه‌ای مناسب تا هرکس بتواند حرفش را بزند.

متاسفانه هیاهوی جنگ در سوریه، کشمکش‌های سیاسی در مصر و وخامت اوضاع در یمن اجازه نداد آنچنان که شایسته و بایسته بود انتخابات لیبی بازتاب پیدا کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. البته کمتر کسی باور می‌کرد اساسا در این کشور بشود انتخاباتی شفاف و سالم برگزار کرد. بارها به دلیل ناتوانی دولت در برگزاری آن تاریخ انتخابات به تعویق افتاده بود. از سوی دیگر مساله تجزیه طلبی در شرق لیبی و حضور شبه نظامیان در مناطق مختلف که گاه دست به عملیات خرابکارانه‌ای مانند تصرف فرودگاه و اماکن دولتی می‌زدند تقریبا این تصور را در همگان به وجود آورده بود که برگزاری یک انتخابات موفق در این کشور یا ناممکن خواهد بود یا اگر هم ممکن باشد چندان درخور توجه نخواهد بود.

تجربه‌ای موفق

اما تجربه نشان داد که از دو میلیون نفری که برای شرکت در انتخابات ثبت‌نام کرده بودند بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در انتخابات شرکت کرده و میزان مشارکت در آن به ۶۰درصد رسیده است. به جز اخلال‌های جزیی که در برخی مناطق شرق به وجود آمد در کل انتخابات در فضایی آرام برگزار شد و در نهایت نیزگروه ائتلاف ملی به رهبری «محمود جبریل» رییس سابق دفتر اجرایی شورای ملی انتقالی لیبی توانست بیشترین میزان آرا را به دست آورد. جبریل از شخصیت‌های برجسته و شاخص لیبی است که در مصر و آمریکا تحصیل کرده و کارشناس و استاد برنامه‌ریزی‌های استراتژیک است و سال‌ها به عنوان یک کارشناس بین‌المللی بر برنامه‌های توسعه آموزشی در کشورهای عرب نظارت داشته است. یک سال پیش او به دلیل ناکارآمدی شورای انتقالی بخصوص در برخورد با شبه نظامیان از این شورا کناره‌گیری کرد اما اینک در هیأت رهبر یک ائتلاف جدید و قدرتمند پارلمانی به صحنه سیاسی لیبی بازمی‌گردد. پارلمانی با ۲۰۰ عضو که نخستین وظیفه‌اش تدوین یک قانون اساسی جدید و تعیین دولت آینده است.

در این رقابت ده‌ها گروه و حزب قدیمی و جدید لیبی حضور داشتند که به طور کلی می‌توان آنها را در دو جریان اصلی یعنی اسلام‌گرایان اعم از اخوانی‌ها، سلفی‌ها و سکولارها اعم از ناسیونالیست‌ها و سکولارها خلاصه کرد.

جریان‌های اسلام‌گرا عبارتند از:

* جماعت اخوان‌المسلمین؛ گروهی ریشه‌دار که در سال ۱۹۶۸ تاسیس شد و پس از پیروزی انقلاب لیبی مانند مصر دست به تشکیل حزبی سیاسی به نام «عدالت و سازندگی » به رهبری محمد صوان زد.

*«جماعه التجمع‌الاسلامی» (جنبش التجمع اسلامی) که در سال ۱۹۹۲ تاسیس شد و اکثر فرماندهان و رهبران و اعضایش را که در زندان ابوسلیم بودند، در یک کشتار جمعی در سال ۱۹۹۶ میلادی از دست داد. این کشتار یکی از افتخارات سرهنگ معمر قذافی به حساب می‌آید. رهبری این گروه را فردی به نام «شیخ عبدالباسط غویله» برعهده دارد. این گروه احزاب سیاسی را غیراسلامی می‌دانند و ترجیح می‌دهند به جای حزب از آنها به عنوان « تجمع » نام برده شود.

*«جنبش السنوسیه» (جنبش گروه‌های صوفی) یکی از قدیمی‌ترین جنبش‌های اسلام‌گرای لیبی است که پیرو طریقه صوفی « السنوسیه » است و در سال ۱۹۳۷ توسط «محمدبن علی السنوسی» تاسیس شد. این تشکل نفوذ بیشتری در بین قبایل دارد.

* حزب الوطن که گروهی اسلام‌گرا به رهبری «عبدالحکیم بلحاج» است. بلحاج از فرماندهان نظامی است که در سرنگونی دولت قذافی نقش موثری ایفا کرد. وی به ارتباط داشتن با القاعده در افغانستان و فعالیت در این کشور در گروه طالبان متهم است. این گروه یکی از شاخص‌ترین چهره سلفی‌ها در لیبی به حساب می‌آید.

گروه‌های ملی و سکولار عبارتند از:

* « ائتلاف نیروهای ملی » که شامل ۶۵ گروه و حزب خردتر است که به عنوان زیرمجموعه این ائتلاف معرفی شده‌اند. رهبری این ائتلاف با «محمود جبریل» است که حتی خود به عنوان یک نامزد شرکت نکرده بود و در کل بزرگ‌ترین تشکل ملی و سکولار در لیبی به حساب می‌آیند. اکثر اعضای این تشکل را تکنوکرات‌های حکومت سابق، روشنفکران، دانشگاهیان، زنان و بازرگانان تشکیل می‌دهد.

* جبهه ملی که این حزب با «جبهه ملی برای نجات لیبی» ارتباط دارد، از مواضع نزدیک به گروه اخوان‌المسلمین برخوردار است و «محمد المقریف» مخالف نظام سابق، رهبری آن را بر عهده دارد.

* جریان ملی میانه‌رو که رهبری آن را «علی الترهونی» وزیر نفت حکومت انتقالی لیبی بر عهده دارد.

جامعه لیبی همچنان یک جامعه سنتی است با این حال تجربه انتخابات اخیر نشان داد که احزاب اسلامی در این کشور مانند مصر و تونس از قدرت و نفوذ زیادی برخوردار نیستند. البته پیروزی یا شکست اسلام‌گرایان در کشورهای مصر و تونس می‌تواند از این پس در نوع رویکردها به این جریان در لیبی نیز موثر باشد

چشم‌انداز آینده

لیبی کشوری با یک میلیون و ۸۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و بیش از شش‌میلیون نفر جمعیت است با وجود آنکه از منابع نفت و گاز عظیمی برخوردار است همچنان کشوری توسعه نیافته در شمال آفریقا به حساب می‌آید که در کمتر از یک سال (بهمن ۸۹ تا مهر ۹۰) از طریق جنگی خونین و البته با کمک نیروهای ناتو و کمک‌های خارجی سرانجام توانست رژیم قذافی را سرنگون و دوران تازه‌ای را آغاز کند. یکی از اتهاماتی که قذافی عنوان می‌کرد اینکه مخالفانش را شبکه‌هایی از طرفداران القاعده تشکیل می‌دهند بنابراین کشورهای غربی به جای اینکه در کنار مخالفانش بایستند باید در کنار او بایستند. او همیشه از این بابت از کشورهای غربی گلایه می‌کرد که چرا به این نکته توجه نمی‌کنند اما تجربه انقلاب لیبی و حوادث پس از آن نشان داد که اینها زاییده توهمات سرهنگ بود و در واقع او به این وسیله و با ساده‌اندیشی می‌خواست در آخرین روزهای حیاتش در بین رهبران کشورهای غربی هم‌پیمانی برای خود پیدا کند.

لیبی به طور سنتی به سه منطقه اصلی به نام‌های «اقلیم طرابلس»، «فزّان» و «بَرقه» بخش می‌شود که این سه منطقه دارای فرهنگ‌های متفاوتی است. به همین دلیل کرسی‌های پارلمان بین این سه منطقه با نسبت‌های معینی تقسیم شده است. از آن گذشته رقابت دیرین بین شرق و غرب کشور همچنان پابرجاست زیرا اهالی بنغازی خود را محروم‌مانده دوران قذافی می‌دانند و انتظار دارند پس از انقلاب – به‌خصوص که این منطقه مرکز انقلاب اخیر بود – این معادله تغییر کرده و مانند منطقه طرابلس از این پس منطقه شرق نیز شاهد یک جهش اقتصادی باشد. حوادثی که در جریان انتخابات اخیر نیز به وقوع پیوست، موید ادامه این خصومت‌ها بود. لیبی کشوری با جمعیت کم و درآمدهای نفتی فراوان است. این ثروت بادآورده در دوران سرهنگ قذافی عمدتا صرف خرید جنگ افزار و بناکردن کاخ‌هایی در داخل و خارج از کشور یا اشباع هوس‌های جنون‌آور وی و خانواده‌اش می‌شد. این ثروت در صورت ایجاد فضایی دموکراتیک و اتخاذ سیاست‌های درست می‌تواند در مدت کمی این کشور را به کلی از این رو به آن رو کند.

به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز باید گفت جامعه لیبی همچنان یک جامعه سنتی است با این حال تجربه انتخابات اخیر نشان داد که احزاب اسلامی در این کشور مانند مصر و تونس از قدرت و نفوذ زیادی برخوردار نیستند. البته پیروزی یا شکست اسلام‌گرایان در کشورهای مصر و تونس (دو همسایه شرق و غرب لیبی) می‌تواند از این پس نیز در نوع رویکردها به این جریان در لیبی نیز موثر باشد. با این حال نباید این نکته را از ذهن دور داشت که اسلام‌گرایان در آینده لیبی یکی از جریان‌های تاثیرگذار و مهم خواهند بود. به نظر می‌رسد روشنفکران در این کشور می‌کوشند کاری کنند که کشورشان کمتر شاهد تقابلی سنگین بین اسلام‌گرایان و سکولارها باشد و سخنان اخیر محمود جبریل و تاکید او بر تشکیل یک دولت ائتلافی نیز موید این نکته است. با وجودی که رسانه‌ها همه از پیروزی سکولارها در لیبی خبر می‌دادند، وی در گفت‌وگویی اعلام کرد سکولار نیست بلکه یک شخصیت ملی است و شریعت اسلامی نیز یکی از پایه‌های نظری ائتلاف او به حساب می‌آید. وی در عین حال بعد از پیروزی خود گفت باید یک دولت ائتلافی با مشارکت همه طرف‌ها در لیبی تشکیل شود.

ادامه از صفحه۶

لذت انتخاب

چند روزی پس از انتخابات ۱۹۷۲، در حالی که عکس‌های نامزدهای انتخاباتی در سراسر طرابلس دیده می‌شد، رفتگران مشغول پاک کردن عکس‌های آنها شدند. از آن لحظه به بعد، تنها عکسی که در میادین و اماکن عمومی دیده می‌شد، عکس قذافی بود. عکس او، که بر یک دیناری جدید نقش بسته بود نیز در جیب مردم بود. چند سال بعد، ۵۰ دیناری نیز وارد بازار شد، باز هم با طرحی از چهره او. همان‌طور که مردم کره‌شمالی عکس کیم ال سونگ، رهبرشان را در معابر عمومی مشاهده می‌کردند، به نظرم می‌رسید که ما نیز به هر سو که نگاه می‌کنیم تنها عکس یک نفر را می‌بینیم. آن عکس‌های غول‌پیکر تا شروع بهار عربی همه جا به چشم می‌خورد. بالاخره پس از ۴۲ سال که قذافی کشور را با دمدمی‌مزاجی به پیش برد و لیبیایی‌ها به طور مرتب شاهد تغییرات ناگهانی در سیاست بودند، انقلاب به لیبی رسید و با خودش شانسی دوباره را برای مردم در تعیین سرنوشت کشورشان به ارمغان آورد. بالاخره من توانستم در ۶۲ سالگی خودم را به یکی از حوزه‌های انتخاباتی در «مصراته»، شهری که در آن زندگی می‌کنم، برسانم و مجوزی را که به من اجازه رای دادن می‌داد بگیرم. من به کارت جدیدی که برای رای دادن در اختیار داشتم نگاهی انداختم و شماره‌اش را حفظ کردم-۲۴۰۴۴۵۱. این کارت به من اجازه می‌داد که به ۲/۸میلیون لیبیایی دیگری که در این انتخابات شرکت می‌کردند تا یک مجمع ملی جدید را بسازند، بپیوندم. هنگامی که برای اولین بار در روز شنبه به جایگاه رای می‌رفتم از اینکه هیچ عکسی از قذافی وجود نداشت شگفت‌زده شدم. به جای عکس‌های او، عکس‌های جدیدی از هزاران چهره‌ای که سعی دارند توجه مردم را جلب کنند به دیوارها خودنمایی می‌کرد. خودروهای بسیاری نیز در سطح شهر، عکس‌های آنها را حمل می‌کردند. این یک یادآوری دلپذیر بود از اینکه به خاطر بسپارم کشورم دیگر توسط تنها یک فرد اداره نمی‌شود. من بالاخره پس از آنکه تنها به عنوان یک شاهد، نظاره‌گر سه انتخابات جهنمی بودم، توانستم به نامزد مورد نظرم رای بدهم. کسی که من باور دارم به لیبی خدمت خواهد کرد، نه اینکه بر آن حاکم شود و ثروت آن را چپاول کند.

با این حال، رای جدید من به چیزی بیش از یک نماینده مجلس است. این رای برای یک سیستم سیاسی جدید است، برای یک لیبی جدید. برای کشوری نوین که من امیدوارم صدای من را پس از ۴۰ سال که شنیده نشد، به من بازگرداند.

با هزار تومان خیلی کارهای مهمی میشه کرد!

سال پیش از شما پرسیدیم که با هزار تومان چی کار می‌شه کرد و از شما دعوت کردیم که با مشارکت در طرح عضویت محک با پرداخت ماهانه حداقل هزارتومان به بزرگترین خانواده حامی کودکان مبتلا به سرطان بپیوندید. امسال می‌خواهیم بگوییم که با هزار تومان‌های شما در محک چه کار می‌کنیم؛ ما با تکیه بر کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه جانبه بیش از ۱۷۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان در سراسر ایران شده‌ایم و در سال ۸۹ تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه را بنا نهاده و بهره‌برداری کرده‌ایم. فقط در این بیمارستان تا امروز بالغ بر ۳۵۰۰ کودک از سراسر ایران، رایگان درمان شده‌اند.

اگر شما هم ماهی فقط هزار تومان به محک کمک کنین، می تونین ضمن پیوستن به بزرگترین خانواده حامیان کودکان مبتلا به سرطان در یکی از پر ارزش‌ترین حرکت‌های دنیا برای نجات جان هزاران کودک مشارکت کنید.

برای پیوستن به خانواده بزرگ محک با شماره ۰۲۱-۲۳۵۴۰ تماس بگیرید.

محک

mahak-charity.org

برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشق شماست، با شماره تلفن ۰۲۱-۲۳۵۰۱۲۱۰ تماس حاصل فرمایید.
از اینکه به پیام ما توجه کردید سپاسگزاریم.